

هدایت‌گری قرآن کجاست؟

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (اسراء: ۹)

این قرآنی که باید برای ما اسباب هدایت باشد؛ قرآنی که قرار است ما را به بهترین آیین، به محکم‌ترین آیین و به بهترین راه هدایت کند، همین قرآنی است که ما می‌شنویم و می‌خوانیم. اما چرا برای ما اثری ندارد؟ چرا با وجود این قرآن، گرفتار این همه تزلزل، گرفتاری، حیرانی، سرگردانی، بلاتکلیفی، درجا زدن، زمین‌گیری و هزاران درد و مرض و بیماری دیگر هستیم؟

این قرآن باید برای ما اسباب هدایت باشد.

پس این هدایت کجاست؟

يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...

آن راه اقوم، آن بهترین و استوارترین راه، همان راهی که باید ما را نجات بدهد، باید از همین قرآن به دست بیاید. پس کجاست؟ این راه کجاست؟

و آن بشارتی که قرآن به ما می‌دهد، کجاست؟

وَيَبْشِرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

نباید تصور کنیم این بشارتی که قرآن به مؤمنان می‌دهد، فقط برای گروهی خاص و ویژه است و ما از آن بی‌بهره‌ایم. ما نیز به اندازه ایمانمان، باید مخاطب این بشارت باشیم و از آن بهره‌مند شویم.

قرآن به ما بشارت می‌دهد که «لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»؛ نتیجه، پاداش و ثمره‌ی کار ما باید بزرگ باشد؛ ثمره‌ی بزرگ و متناسب با آن چیزی که قرآن وعده داده است. نه اینکه چون ما کار زیادی نمی‌کنیم، پس اجر و نتیجه بزرگی هم نصیب ما نشود. برعکس، قرآن به ما بشارت می‌دهد که حتی از همین اعمال، باید نتایج بزرگی حاصل شود.

پس آن نتایج کجاست؟ بشارت قرآن کجاست؟

این «صالحات» چیست؟

آیا اعمال صالح خاصی هستند؟

این صالحات کدام‌اند که ما هم بتوانیم آن‌ها را انجام بدهیم؟

چرا ما از این هدایت برخوردار نیستیم؟

این همان سؤالی است که اکنون باید به آن پاسخ بدهیم؛ بعد از یک عمر قرآن خواندن، بعد از جلسات متعدد قرآن، بعد از برنامه‌ها و تئوری پردازی‌های فراوانی که داشته‌ایم.

اکنون وقت **عمل** است. همه‌ی ما می‌خواهیم مسیری برایمان باز شود؛ مسیری که بتوانیم در آن حرکت کنیم تا این آیه در وجود ما شکل بگیرد و آثار آن را در زندگی خود ببینیم.

و راهی را که عقل به ما نشان می‌دهد، باید از همین قرآن به دست بیاوریم. این بشارت، این هدایت و هر کاری که قرآن با ما می‌کند، نباید صرفاً اموری ذهنی، تئوری یا در حد نصیحت‌های ظاهری باشد. نباید این تصور برای ما ایجاد شود که قرآن هم مجموعه‌ای از نصیحت‌هاست و منظور از هدایت قرآن همین است.

اگر قرار بود قرآن فقط نصیحت کند، چه ارزشی داشت؟ خداوند پیامبری مبعوث کرده و قرآنی آورده، با این همه امکان، با این همه سخن و با این همه گفت‌وگو، و ما موظفیم آن را رعایت کنیم. در حالی که امروز در جامعه، هر کسی از جایی عبور می‌کند، نصیحتی می‌کند؛ نصیحت‌هایی که گاهی نه تنها ارزشی ندارند، بلکه حتی نتیجه‌ی معکوس دارند. آیا قرآن هم قرار است همین کار را با ما بکند؟ این چه ارزشی دارد؟

بشارت و هدایت قرآن و هر اثری که قرآن بر انسان می‌گذارد، باید به چیزی واقعی و عینی در وجود او تبدیل شود؛ یعنی نتیجه‌ی آن باید بی‌واسطه در زندگی و در خود انسان آشکار شود، نه اینکه فقط وعده‌ای برای آینده یا مفهومی در ذهن باقی بماند. حقیقت قرآن خواندن و مواجهه با قرآن همین است؛ اینکه قرآن در همان مواجهه، در وجود انسان اثر بگذارد و نتیجه آن در زندگی او دیده شود.

اگر قدم‌هایی در این مسیر برداشته‌ایم، مبارکمان باشد؛ اما مابقی آن کجاست؟

چه چیزی مانع می‌شود که ما از قرآن به‌طور کامل بهره ببریم؟

این همان سؤالی است که امروز باید به آن پاسخ بدهیم.

قرآن در ادامه می‌فرماید:

وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ (اسراء: ۱۱)

انسان گاهی خیر و شر را با یکدیگر اشتباه می‌گیرد و جای آن‌ها را عوض می‌کند. می‌خواهد به سوی خیر برود، اما به دلیل اشتباه‌ها، برداشت‌های نادرست و تصور غلطی که از خیر و شر در ذهنش شکل گرفته، چیزی را که شر است خیر می‌پندارد و با همان اطمینان و سرعت، به سوی آن حرکت می‌کند؛ بی‌آنکه متوجه باشد از خیر فاصله گرفته و به سمت شر می‌رود. این ناآگاهی و این توجه‌نداشتن، نقصی در خود انسان است. اگر این نقص در وجود انسان نباشد، خداوند او را از خیر باز نمی‌دارد. این خود انسان است که مقدماتی را فراهم کرده، برنامه‌ای چیده و زیرساخت‌ها و بنیان‌های وجودی خودش را چنان تخریب کرده که دیگر نمی‌تواند خیر را از شر تشخیص دهد؛ تا جایی که شر را به جای خیر می‌گیرد و به سمت آن حرکت می‌کند.

وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (اسراء: ۱۱)

وقتی هم که یک خیر به انسان نشان داده می‌شود، چنان عجله می‌کند که همان خیر را از بین می‌برد. در زندگی عادی، برای اینکه مالی به دست بیاورد، مدرکی بگیرد یا به هر چیز مادی دیگری برسد، چه صبر و تحملی از خودش نشان می‌دهد! سال‌ها، بلکه گاهی تمام زندگی‌اش را در این مسیر هزینه می‌کند تا اندکی از زندگی مادی‌اش را سامان بدهد. اما وقتی به خیر می‌رسد، وقتی به آن حقیقت می‌رسد، عجله و شتابش همه چیز را تخریب می‌کند.

غافل از اینکه:

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ (اسراء: ۱۳)

انسان مُلَازِم رفتار خودش است و نمی تواند از آن فاصله بگیرد. همین انسانی که اکنون در این دنیاست، با همان نامه‌ی عملی که در هر لحظه برای خودش می سازد، مواجه است.

وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (اسراء: ۱۳)

اگر انسان فقط یک لحظه به خودش برگردد، همان کاری را که قرار است در قیامت انجام دهد، همین جا انجام دهد؛ یک لحظه به خودش بازگردد و خودش را نگاه کند، دیگر به حسابگر و راهنمای دیگری نیاز ندارد؛ به شرط اینکه واقعاً به خودش برگردد و خودش را ببیند. در آن لحظه، انسان می بیند که سال ها در حال حرکت بوده و ناگهان حقیقتی برایش روشن می شود؛ حقیقتی که حتی خودش و هرکسی که همراه اوست و هرکسی که در مسیر تربیت او بوده، از آشکارشدنش تعجب می کند: اینکه انسان چنین حقیقتی را می دانسته، اما این همه مدت در ضلالت، گمراهی، ضرر و زیان به سر برده است. آنجاست که خطاب می شود:

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (اسراء: ۱۴)

برای انسان، یک خطاب وجودی است؛ خطاب همه‌ی کائنات به انسان. این لحظه برای ما در همین دنیا هم گاهی پیدا می شود. روز قیامت که پرده ها کنار می رود، همه چیز را می بینیم.

اگر همین یک لحظه‌ای را که در این دنیا برایمان حاصل می‌شود، محکم بگیریم، آن را فراموش نکنیم، کتابت کنیم و بعد ملتزم آن شویم، از آنچه در قیامت برای ما حاصل خواهد شد، سازنده‌تر است؛ چون در این جهان امکان عمل داریم. آن لحظه‌ای که برای انسان حاصل می‌شود، یک لحظه سرنوشت‌ساز است؛ لحظه‌ای که انسان حسابگرِ نفس (حَسِيبِ نَفْس) خودش می‌شود.

مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا (اسراء: ۱۵)

هر کاری که انسان می‌کند، برای خودش می‌کند. دیگری نیست که برای انسان کاری انجام دهد.

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (اسراء: ۱۵)

این درست برخلاف و متضاد بسیاری از جهت‌گیری‌های ماست. ما پیوسته می‌خواهیم همه چیز را گردن دیگران بیندازیم، در حالی که تمام جهان به انسان خطاب می‌کنند که:

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (اسراء: ۱۵)

هر کسی گناه خودش را بر دوش دارد، نه گناه دیگری؛

نتیجه‌ی عمل خودش را می‌چشد، نه دیگری؛

زندگی‌اش را خودش می‌سازد، نه دیگری.

وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (اسراء: ۱۵)

هیچ اتفاقی برای انسان بی حساب و بی ارتباط با خودش رخ نمی دهد؛ هر آنچه بر او وارد می شود، می تواند نتیجه چیزی باشد که خودش رقم زده است. حتی آمدن رسول نیز زمانی برای انسان معنا پیدا می کند که حقیقتی برای او آشکار شود و پیام و هدایتی به سوی او بیاید. رسول فقط رسول بیرونی نیست، اگرچه پیامبر نمونه اعلای آن است؛ انسان پیوسته در معرض این است که حقیقتی برایش آشکار شود و راهی پیش رویش قرار بگیرد.

پیوسته به انسان گفته می شود که این امید همه ی کائنات است، این اراده ی خداوند است که رحمتش را بر انسان نازل کند. همه ی عالم در این جهت است که انسان را مشمول رحمت قرار دهد و انسان پیوسته در معرض این رحمت است.

اما ما برعکس می بینیم. پیوسته فکر می کنیم جهان آمده است تا ما را عذاب کند؛ انگار باید زیر این ساطور تکه تکه شویم، زیر این وزنه له شویم. این تصور ما از جهان است! در حالی که جهان چنین نیست؛ این شما هستید که این طور فکر می کنید. با این فکر و با این توهم، به دنبال شر می روید، در حالی که باید به دنبال خیر بروید و نتیجه ی آن را ببینید.

اما خداوند و جهان و کائنات می خواهند بر شما رحمت کنند.

وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا (اسراء: ۸)

اگر باز هم به همان مسیر همیشگی خودتان برگردید و کار درست را انجام ندهید، جهان نیز همان برخورد را با شما خواهد داشت.

وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (اسراء: ۸)

به همان اندازه‌ای که انسان کفران می‌کند و از مسیر حق دور می‌شود، به همان اندازه دچار زندگی تنگ، تاریک، سخت و پرعذاب می‌شود. هرچه هست، در دست خود انسان است.

همه این‌ها برای چیست؟

برای اینکه انسان برگردد به همان قرآنی که «يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»

اما چگونه باید برگردد؟

این تمرینی است که شما باید در این هفته به آن پاسخ بدهید. به‌زودی این مطلب را برایتان می‌فرستم. شما هم روی آن وقت بگذارید، نیرو بگذارید و کار کنید. سرسری از آن رد نشوید. تجربیات خودتان را به کار بگیرید و سعی کنید چیزی بگویید که از وجود خودتان بلند شده باشد؛ راهی برای خودتان پیدا کنید، راهی که بتوانید برای آینده با آن حرکت کنید.